

«کتابی که بنام راه نو درجهان‌شناسی بنظر خوانندگان گرامی مجله میرسد نظریه جدیدی است درباره جهان‌وهیئت عالم که در سال ۱۳۳۵ علامه پدر بزرگوارم آقای سیدعلی اکبر برقی قمی تألیف فرموده و اینک بدرخواست جمعی از فضلا و دانشمندان در معرض افکار قرار میگیرد .

مؤلف معظم در این کتاب کوشیده‌اند نظریه خود را در قالب عباراتی ساده و شیوا و دلنشین که درخور فهم عموم باشد برشته تحریر در آورند امید است که خوانندگان آنرا بدقت مطالعه فرمایند و در باره مطالب آن پیرامون تعصب نگردند

سید محمد باقر برقی

راه نو در جهان‌شناسی

بارالها بنام نو داد کرد پناه تو

پیش‌گفتار

من هیئت عالم را آنطور که بنیان گزاران هیئت قدیم و هیئت جدید شناختند نشناختم زیرا نه هیئت جهان را چنانکه گفتند یافتم و نه دلیلی را که بر اثبات نظریه خویش اقامه کردند کافی و قانع کننده تشخیص دادم .

در این صورت من جز اینکه در جستجوی راهی باشم که عقلم آنرا بپذیرد و قلبم بآن مطمئن گردد چه راه دیگری را میتوانستم بروم ؟

اما گردانیدن راه خود از راهی که نوابغ علم رفته‌اند و علمیانها معتقد بدنبال چنان نوابغی در حرکتند کار سهل و آسانی نبود تا چه رسد بیافتن راهی از نو بخصوص راهی که اثری از جای پای رونده در آن دیده نمیشد .

با اینوصف ترسی بهخویشتمن راه ندادم و در جستجوی حقیقت و یافتن راه حق اقدام و بخاطر گذراندم سخنی را که آن کوینده بزرگ گفت که : « از تك روی باك

ندارم تا دلیل رفیق راه من است .»

من تصدیق دارم که جدا گرفتن از جمع خواه فرضاً در معتقدات نادرست دینی باشد و خواه در معتقدات غلط علمی کار بسیار دشواری است و حتی در شرایط حکومت دموکراسی واقعی که در آن برای گویندگان و نویسندگان آزادی کامل تضمین شده است باز مشکل است و هر کسی مرد میدان این مبارزه و مجاهده نیست زیرا مخالفان آرام نمیگیرند و از حملاتی که قانون منع نکرده خودداری نمیکنند و مسلم است که در برابر چنان حملات تنها نیروی منطق و قدرت دلیل کافی و یا خصم افکن نیست و چه بسا خصمانی که دلیل را گردن نمیگیرند بلکه علاوه از دلیل رسا و منطق محکم ثبات قدم و قلب مطمئن و آرام و عزم آهنین و اراده پولادین لازم است تا رونده نلغزد و از راه بر نگردهد .

آیا من در چنان کشوری زندگی میکنم که قانون آزادی گویندگان و نویسندگان را با واقعیتی که دارد تضمین کرده است ؟ جواب منفی است .

با این وصف از راه مقصود روی بر نتافتیم تا بسر منزل مطلوب رسیدم و اینست خلاصه ای از افکارم که در خصوص هیئت عالم در اختیار شما خوانندگان ارجمند می گذارم :

۱- غیر از فضائی که بزمین ما از هر طرف احاطه دارد و فضای دیگر موجود است و در هر يك از آن دو فضا کراتی وجود دارند .

۲- در پیرامون همین فضایی که بزمین ما از هر طرف احاطه دارد فضائی بسیار فراختر است و در آن زمین هائی که شماره آنها از يك ملیارد زمین متجاوز است وجود دارند عیناً مانند زمین ما .

۳- در فضای دوم که محیط است فضای محیط بزمینها عموم ماهها که ماه زمین مایکی از آنهاست جای دارند و هر ماهی مخصوص زمینی است از زمینها درست مانند ماهها که مخصوص زمین ما است .

۴- در فضای سوم که محیط است بفضای دوم یعنی فضای محیط ماهها کلیه خورشیدها که خورشید زمین ما یکی از آنهاست قرار دارند و هر خورشیدی خاص زمینی است از زمینها چونان خورشید زمین ما

۵- ستارگان آسمان خواه آنها که با چشم بی سلاح دیده میشوند و خواه آنها که با چشم مسلح باید آنها را دید خورشیدند و یا ماه و غیر از آن دو چیزی دیگر نیستند

۶- زمینها متحرك نیستند بلکه متحرك خورشیدها و ماهها هستند آنهم بتبع فضای محیط با آنها و در این حرکت همه خورشیدها و ماههای زمینها در حرکتند و هر کدام برای زمین مخصوص بخود نور میفشانند و گرمی میرسانند

۷- نیروئی که زمینها را در قرارگاهشان نگاه داشته قانون جاذبه نیست بلکه قانون فشار بر اجسام است

۸- زمین از خورشید جدا نشده است و نه فقط زمین ما از خورشید جدا نشده بلکه هیچیک از زمینها از خورشیدهایشان جدا نشده اند و ماهیت زمینها با ماهیت خورشیدها متفاوت بلکه متباینند

۹- خورشیدها صورت زمینها و اقیانوسهای محیط با آنها را منعکس کرده اند و هر خورشیدی چنانست که خورشید زمین ما است

۱۰- ماهها نیز صورت دیگری از زمینها و اقیانوسهای محیط با آنها هستند که آن صورتها را از خورشیدها گرفته اند نه از زمینها

۱۱- لکه های سیاه خورشید زمین ما که در دوربینها دیده اند کلف خورشید زمین ما است و کلف خورشید چیزی جز صورت زمین که تیره و کدر است و در خورشید ما با صورت منعکس گردیده نیست و هر خورشیدی مانند خورشید ما دارای کلف است و کلف ماه زمین ما که هر چشمی آنرا می بیند نیز صورت زمین ما است در آن و باز هر ماهی دارای کلف است بدون استثناء

۱۲- خورشیدها در نورفشانی و حرارت گستری از انرژی خود مصرف نمیکنند بلکه نور و حرارت آنها معلولات دیگری است

۱۳- در نظام حرکت عمومی جهان فضای خورشیدها با خورشیدهای آن و فضای ماهها با ماههای آن و فضای محیط بزمینها با هم در حرکتند و در این حرکت خورشیدهای زمینها برای زمینها شب و روز و فصول اربعه تولید میکنند و ماهها شبها پر تو میفشانند عیناً مانند خورشید و ماه زمینها

۱۴ هر چیز که در زمین ما وجود دارد از اقسام روئیدنیها و انواع جانوران و اصناف نژاد آدمیان از سفید و سیاه و زرد و سرخ در زمینهای دیگر وجود دارد

۱۵ زمینها در فضای بسیار وسیع محیطاً با آنها به هیئت دسته جمعی در هر یک از گوشههای آسمان افتاده اند و دلیل آن وجود کهکشانشا و سیاهیهاست

۱۶- سنگهای آسمانی که بزمین ما سقوط کرده و آنها را شهاب گویند شماره بسیار زیادی از آنها در موزههای اروپا و آمریکا نگاهداری میکنند چیزی جز مواد کداخته ای نیستند که زمینهای دیگر که بزمین ما نزدیکند هنگام آتشفشانی آنها را بفضا پرتاب کرده و بزمین ما رسیده اند.

۱۷- ستاره دنباله دار چیزی جز شعله های آمیخته بگازهای ملتهب نیست که زمینهای نزدیک بزمین ما هنگام آتشفشانی بفضای کیهان فرستاده اند.

۱۸- زلزله نتیجه اشباع گازهای محتمس در اعماق زمین است که برای پیدا کردن فضای خالی در تلاشد و راه جلو گیری از حدوث زلزله.

۱۹- آتشفشانها نیز نتیجه اشباع گازهای محتمس در اعماق زمینند منتهی نتیجه اشباع بیشتر آنها و راه پیش گیری از حدوث آتش فشان.

اینهاست اصول نظریه ام با فرضیه های دیگری که در مطایر کتاب با آنها اشارت میشود.

بگذار نظریه من نیز مورد حمله مخالفان قرار گیرد و هر گاه نظریه ام با واقعیت جهان مطابق باشد مخالفان هر چه میخواهند حمله کنند و حقیقت اگر با

نظریه‌ام مقرون باشد بالاخره از پس آن حمله‌ها چهره‌کشائی میکند :

مگر نه اینست که هر نظریه‌نویس در آغاز پیدایش آن چنان سرنوشته‌ی راداشته و از سر گذرانیده است مثلاً همین هیئت جدید در آغاز ظهور آن مورد حمله مخالفان متعصب دینی و غیردینی در شرق و غرب گردید و مدت‌ها بعنوان يك نظریه منفور و مطرود بآن مینگریستند و کسانی که هیئت بطلمیوس را که بتقریب پانزده قرن یگانه کتاب‌درسی بود فرا گرفته و دل‌بر صحت‌مبانی و درستی اساس آن نهاده بودند تا دیرزمانی از پای ننشستند و از مخالفت با آن دست‌نکشیدند تا آنگاه که بتدریج پایه‌های هیئت موروث بطلمیوس از بس پنداری و بر اساس توهم بود سست گردید و بنیان آن درهم‌فرو ریخت و هیئت جدید با مبانی تازه‌تری جای آنرا گرفت تا جائی که کتاب‌درسی گردید و در دبیرستانها و دانشکده‌ها بعنوان يك نظریه صحیح و يك واقعیت مسلم و غیرقابل تردید تدریس شد و تا کنون هم تدریس میشود

من این کتاب را در شهری پرشته کشیدم که از کتابخانه‌ام دور بودم و کتابهایی که مراد این تالیف بکار آید در اختیارم نبود ناچار بودم از محفوظات خود کمک بگیرم و هر گاه از این رهگذر نقصی بر آن گیرند من آن نقص را گردن میگیرم در بیان مطالب تا جائیکه برای من امکان داشت رعایت ساده‌نویسی را کردم و تا توانستم بیانم را از اصطلاحات این علم که نه فقط این دانش بلکه هر دانشی را جز بر کسانی که بآن اصطلاحات آشنائی دارند مشکل میکند بیرون کشیدم بدین منظور که خوانندگان هر چند از این علم نصیبی نداشته باشند بهره‌بر گیرند و از طولانی کردن رشته سخن اعتراف کردم و کوشیدم تا هر چه کتاب مختصرتر گردد بدون آنکه مختصرتر کردن آن بی‌بیان مقصود اخلاص رساند و از نقل سخنان دیگران مگر در جائیکه نقل آن باختصار ضرور بود خود داری کردم برویم بر سر گفتار: نا تمام